

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مقایسه و تحلیل نمونه هایی از غزلیات عربی و فارسی سعدی

از دیدگاه علم بیان

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عربی

استاد راهنما:

دکتر علی پیرانی

استاد مشاور:

دکتر سید عدنان اشکوری

دانشجو:

محمد اکبری

اسفند ماه ۱۳۹۰

تقدیم به معلمانم؛

در گذشته، حال و آینده

از پدر و مادرم که نخستین آموزگاران توحیدم بودند،

تا آن که با این نوادرجانم می‌نهد

همه‌ی آنان که با آموختن حتی یک کلمه مرابنده‌ی خویش ساخته-

اند...

چکیده

هدف از این پایان نامه بررسی نمونه های از غزلیات عربی و فارسی سعدی از دیدگاه علم بیان است و شامل پنج فصل می باشد که در فصل اول به بررسی زندگی نامه سعدی و آثار و سبک سخنوری او پرداخته شده است و چگونگی پرداختن او به اشعار عربی و تأثیر پذیری او از قرآن و حدیث در اشعار عربی را ذکر کرده است و در فصل دوم به تعاریف تشبیه و بررسی و تحلیل تشبیه و انواع آن در غزلیات انتخاب شده پرداخته شده عربی و فارسی پرداخته شده و در پایان فصل نیز به ارائه آمار و نتایج پرداخته شده است.

در فصل سوم نیز به تعاریف مجاز و انواع آن یعنی مرسل و عقلی پرداخته شده سپس به بررسی مجاز در غزلیات انتخاب شده عربی و فارسی پرداخته شده و سپس نتایج و آمار ارائه شده است.

در فصل چهارم نیز به تعاریف استعاره سپس به بررسی و تحلیل استعاره از جهت تصریحیه و مکنیه بودن و تبعیه و اصلیه و ... می پردازیم سپس به بیان آمار و نتایج و فصل می پردازیم.

در فصل پنجم نیز به تعریف کنایه و انواع آن پرداخته و سپس به تحلیل و بررسی کنایه در غزلیات عربی و فارسی می پردازیم و در پایان نیز به آمار و نتایج می پردازیم.

بعد از اتمام فصول به بیان نتایج کلی پایان نامه و ذکر منابع آن می پردازیم.

کلمات کلیدی: سعدی، تشبیه، مجاز، استعاره، کنایه.

فهرست موضوعات

عنوان.....صفحه

پیشگفتار.....الف-ب

فصل اول

۱. زندگی نامه و ادب سعدی.....۱

۱-۱. زندگینامه سعدی.....۲

۱-۲. مذهب و عقیده سعدی.....۳

۱-۳. آثار سعدی.....۶

۱-۳-۱. آثار منظوم.....۶

۱-۳-۲. آثار منثور.....۷

۱-۴. سبک سخن سعدی.....۸

۱-۵. اشعار عربی سعدی.....۱۲

۱-۵-۱. سعدی و ساختار عربی.....۱۶

۱-۵-۲. منابع دینی اشعار عربی سعدی.....۱۹

۱-۵-۲-۱. قرآن.....۱۹

۱-۵-۲-۲. اقتباس.....۱۹

۱-۵-۲-۳. تلمیح.....۲۰

۱-۵-۲-۴. قصص قرآنی.....۲۱

۱-۵-۳. حدیث.....۲۲

نتایج فصل.....۲۳

فصل دوم

۲. بررسی و تحلیل تشبیه در غزلیات انتخاب شده عربی و فارسی..... ۲۴
- ۲-۱. مقدمه ای بر تشبیه..... ۲۴
- ۲-۱-۱. تعریف تشبیه..... ۲۵
- ۲-۱-۲. ارکان تشبیه..... ۲۵
- ۲-۱-۳. تقسیم تشبیه بر اساس طرفین تشبیه از لحاظ حسی و عقلی..... ۲۵
- ۲-۱-۴. تقسیم طرفین تشبیه بر اساس مفرد یا مرکب بودن..... ۲۶
- ۲-۱-۵. تقسیم تشبیه بر اساس تعدد..... ۲۷
- ۲-۱-۶. تقسیم تشبیه بر اساس ادات تشبیه..... ۲۸
- ۲-۱-۷. تشبیه بر اساس وجه شبه..... ۲۸
- ۲-۱-۸. تشبیه ضمنی..... ۲۹
- ۲-۱-۹. تشبیه مقلوب یا معکوس..... ۲۹
- ۲-۲. بررسی و تحلیل تشبیهات..... ۳۰
- ۲-۲-۱. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی حائیه و غزل فارسی شماره ۳۷۱..... ۳۰
- ۲-۲-۲. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی فائیه و غزل فارسی شماره ۲۴..... ۳۷
- ۲-۲-۳. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی فائیه و غزل فارسی شماره ۲۶۸..... ۴۲
- ۲-۲-۴. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۷۳..... ۴۶
- ۲-۲-۵. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی رائیه و غزل فارسی شماره ۶۲۹ کلیات..... ۵۱
- ۲-۲-۶. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۵۷۸ کلیات..... ۵۷

- ۷-۲-۲. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی سینه و غزل فارسی شماره ۷۷ کلیات..... ۶۵
- ۸-۲-۲. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۱۷ کلیات..... ۶۹
- ۹-۲-۲. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی میمیه و غزل فارسی شماره ۴۵۰ کلیات..... ۷۴
- ۱۰-۲-۲. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی دالیه و غزل فارسی شماره ۳۸۳ کلیات..... ۷۹
- ۱۱-۲-۲. بررسی و تحلیل تشبیه در غزل عربی تائیه و غزل فارسی شماره ۲۸۲ کلیات..... ۹۲
- نتیجه و آمار..... ۱۰۶-۱۰۲

فصل سوم

۳. بررسی و تحلیل مجاز در غزلیات انتخاب شده عربی و فارسی..... ۱۰۷
- ۱-۳. مقدمه ای بر مجاز..... ۱۰۸
- ۱-۱-۳. مجاز و حقیقت..... ۱۰۸
- ۲-۱-۳. مجاز لغوی مفرد مرسل و علاقه های آن..... ۱۰۹
- ۳-۱-۳. درباره ی تعریف مجاز عقلی و علاقه های آن..... ۱۱۱
- ۲-۳. بررسی و تحلیل مجاز در غزلیات عربی و فارسی انتخابی..... ۱۱۳
- ۱-۲-۳. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی حائیه و غزل فارسی شماره ۳۷۱ کلیات..... ۱۱۳
- ۲-۲-۳. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی فائیه و غزل فارسی شماره ۲۴ کلیات..... ۱۱۵
- ۳-۲-۳. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی فائیه و غزل فارسی شماره ۲۶۸ کلیات..... ۱۱۶
- ۴-۲-۳. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۷۳ کلیات..... ۱۱۸
- ۵-۲-۳. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی رائیه و غزل فارسی شماره ۶۲۹ کلیات..... ۱۲۰
- ۶-۲-۳. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۵۷۸ کلیات..... ۱۲۲
- ۷-۲-۳. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی سینه و غزل فارسی شماره ۷۷ کلیات..... ۱۲۴

- ۳-۲-۸. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۱۷ کلیات..... ۱۲۵
- ۳-۲-۹. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی میمیه و غزل فارسی شماره ۴۵۰ کلیات..... ۱۲۸
- ۳-۲-۱۰. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی دالیه و غزل فارسی شماره ۳۸۳ کلیات..... ۱۲۹
- ۳-۲-۱۱. بررسی و تحلیل مجاز در غزل عربی تائیه و غزل فارسی شماره ۲۸۲ کلیات..... ۱۳۱
- نتیجه و آمار فصل..... ۱۳۴-۱۳۵

فصل چهارم

- ۴-بررسی و تحلیل استعاره در غزلیات انتخاب شده عربی و فارسی..... ۱۳۶
- ۴-۱. مقدمه ای بر استعاره..... ۱۳۷
- ۴-۱-۱. تعریف استعاره..... ۱۳۷
- ۴-۱-۲. تقسیم استعاره بر اساس طرفین (مستعارله و مستعارمنه)..... ۱۳۸
- ۴-۱-۳. تقسیم استعاره بر اساس کلمه ای که در آن واقع شده..... ۱۳۸
- ۴-۱-۴. تقسیم استعاره بر اساس توافق طرفین..... ۱۳۹
- ۴-۱-۵. تقسیم استعاره به لحاظ پیوند با چیز مناسب یا عدم پیوند با آن..... ۱۳۹
- ۴-۱-۶. استعاره تمثیلیه..... ۱۴۰
- ۴-۲. بررسی و تحلیل استعاره در غزلیات عربی و فارسی انتخابی..... ۱۴۱
- ۴-۲-۱. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی حائیه و غزل فارسی شماره ۳۷۱ کلیات..... ۱۴۱
- ۴-۲-۲. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی فائیه و غزل فارسی شماره ۲۴ کلیات..... ۱۴۶
- ۴-۲-۳. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی فائیه و غزل فارسی شماره ۲۶۸ کلیات..... ۱۵۰
- ۴-۲-۴. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۷۳ کلیات..... ۱۵۴
- ۴-۲-۵. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی رائیه و غزل فارسی شماره ۶۲۹ کلیات..... ۱۵۷

- ۶-۲-۴. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۵۷۸ کلیات..... ۱۶۴
- ۷-۲-۴. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی سینه و غزل فارسی شماره ۷۷ کلیات..... ۱۶۹
- ۸-۲-۴. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۱۷ کلیات..... ۱۷۳
- ۹-۲-۴. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی میمیه و غزل فارسی شماره ۴۵۰ کلیات..... ۱۸۱
- ۱۰-۲-۴. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی دالیه و غزل فارسی شماره ۳۸۳ کلیات..... ۱۸۳
- ۱۱-۲-۴. بررسی و تحلیل استعاره در غزل عربی تائیه و غزل فارسی شماره ۲۸۲ کلیات..... ۱۹۴
- نتیجه و آمار فصل..... ۲۰۴-۲۰۶

فصل پنجم

۵. بررسی و تحلیل کنایه در غزلیات انتخاب شده عربی و فارسی..... ۲۰۷
- ۱-۵. مقدمه ای بر کنایه..... ۲۰۷
- ۱-۱-۵. تعریف کنایه..... ۲۰۸
- ۲-۱-۵. اقسام کنایه..... ۲۰۸
- ۲-۵. بررسی و تحلیل کنایه در غزلیات عربی و فارسی انتخابی..... ۲۰۹
- ۱-۲-۵. بررسی و تحلیل کنایه در غزل عربی حائیه و غزل فارسی شماره ۳۷۱ کلیات..... ۲۰۹
- ۲-۲-۵. بررسی و تحلیل کنایه در غزل عربی فائیه و غزل فارسی شماره ۲۴ کلیات..... ۲۱۱
- ۳-۲-۵. بررسی و تحلیل کنایه در غزل عربی فائیه و غزل فارسی شماره ۲۶۸ کلیات..... ۲۱۴
- ۴-۲-۵. بررسی و تحلیل کنایه در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۷۳ کلیات..... ۲۱۶
- ۵-۲-۵. بررسی و تحلیل کنایه در غزل عربی رائیه و غزل فارسی شماره ۶۲۹ کلیات..... ۲۱۷
- ۶-۲-۵. بررسی و تحلیل کنایه در غزل عربی بائیه و غزل فارسی شماره ۵۷۸ کلیات..... ۲۱۹
- ۷-۲-۵. بررسی و تحلیل کنایه در غزل عربی سینه و غزل فارسی شماره ۷۷ کلیات..... ۲۲۲

- ۵-۲-۸. بررسی و تحلیل کنایه در غزل عربی بایه و غزل فارسی شماره ۱۷ کلیات..... ۲۲۴
- ۵-۲-۹. بررسی و تحلیل کنایه در غزل عربی میمیه و غزل فارسی شماره ۴۵۰ کلیات..... ۲۲۶
- ۵-۲-۱۰. بررسی و تحلیل کنایه در غزل عربی دالبه و غزل فارسی شماره ۳۸۳ کلیات..... ۲۲۸
- ۵-۲-۱۱. بررسی کنایه در غزل عربی تائیه و غزل فارسی شماره ۲۸۲ کلیات..... ۲۳۱
- نتایج و آمار فصل..... ۲۳۴
- خاتمه..... ۲۳۵
- چکیده عربی..... ۲۳۷
- منابع و مأخذ..... ۲۳۸

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

در آغاز، حمد و سپاس بیکران پرودگاری راست، که رحمان است و رحیم، خالق رازق است و معطی منان، شارع قاسم است و منتقم غفار. هر آن چه نیکی است از آن اوست و از هر زشتی و پلیدی به دور. در شکر او زبان‌ها قاصر و حکمش بر همگان واجب. آن گاه، سلام و درود بر انبیاء و اولیاء خداوند که واسطه‌ی فیضانند و تکمیل‌کننده‌ی نعمت، در صدر ایشان، خاتم آنهاست، سرور کائنات، نیکوی برگزیده حضرت محمد مصطفی(ص) و در پی او سلام باد سلاله‌ی پاکش را از نسل وصی والا، علی مرتضی(ع) و نور فاضل حق و باطل، فاطمه‌ی زهراء(س)، آن یازده نور پاک که سبب اتصال آسمان و زمین‌اند، آنان که چه در صلح باشند، چه در جنگ، چه در دعا و سجود، چه در شکافتن علم، چه صادق باشند و چه کاظم، چه راضی به حکم حق و چه جواد در خلق، چه هادی باشند و چه اسیر در لشگر، همه نوری واحدند و نمایانگران راه حق، هر چند چون خورشیدی پنهان از پشت ابر نور افشانی کنند. امیدوار هدایتشان در دنیا و شفاعتشان در آخرت هستیم؛ بعون الله و کرمه...

موضوع این رساله بررسی علم بیان در غزلیات سعدی به صورت نمونه ای است که تعداد یازده غزل عربی و فارسی در نظر گرفته شده است و هدف از این بحث بررسی وجوه مشترک و فرقه‌های بین وجوه بیانی در غزلیات سعدی است و به سبب علاقه ای که به اشعار سعدی داشتیم بر آن شدم که از جنبه ی علم بیان به این اشعار بپردازم ، قبلا پایان نامه های فراوانی بلاغت اشعار فارسی سعدی را مورد بحث قرار داده اند از جمله بررسی انواع تشبیه در غزلیات سعدی در دانشگاه تربیت معلم آذربایجان و تحلیل آماری تشبیه در غزلیات سعدی و تصرف در تشبیه در دانشگاه تربیت معلّم تهران و بیان در غزلیات فارسی سعدی در دانشگاه شیراز ولی در این پایان نامه به بررسی و تحلیل نمونه هایی از غزلیات سعدی در زبان عربی و فارسی از دیدگاه علم بیان می پردازیم و سپس نکات مشترک و تفاوت‌های آنها را بررسی می کنیم.مانند اینکه چه نکاتی مشترک در غزلیات عربی و فارسی سعدی از دیدگاه علم بیان وجود دارد؟ سعدی در تشبیه بیشتر از تشبیهاتی استفاده کرده است؟ و....

این پایان نامه در پنج فصل تنظیم شده که در فصل اول به بررسی زندگی نامه سعدی و اشعار عربی و فارسی و ذکر مختصری از آثار او می پردازیم، و در فصل دوم به بررسی و تحلیل تشبیه در غزلیات انتخاب شده عربی و فارسی و بیان آمار و نتایج و در فصل سوم به بررسی و تحلیل مجاز و انواع آن در غزلیات انتخابی و بیان آمار و نتایج و در فصل چهارم به بررسی و تحلیل استعاره و انواع آن در غزلیات انتخابی و در فصل پنجم نیز به بررسی کنایه و انواع آن در غزلیات انتخابی و در پایان نیز به نتیجه گیری می پردازیم.

در این پایان نامه غزلیات سعدی، از کلیات سعدی انتخاب گردیده و برای ترجمه اشعار عربی از ترجمه های آقای دکتر مؤید شیرازی و ترجمه آقای موسی اسوار که اخیراً چاپ شده استفاده گردیده است و برای بلاغت نیز از کتب بلاغی عربی و فارسی مختلف استفاده گردیده است.

از جمله صعوباتی که در این پایان نامه وجود داشت این بود که بین غزل فارسی و عربی فرقهایی است به همین دلیل انتخاب غزلها مشکل بود و سعی کردم حداقل از یک جهت هر چند کوچک بین غزلها ویژگی مشترک باشد و تشخیص بعضی از صنعت‌های بیانی واقعا سخت بود و این پایان نامه اثر ناچیزی است از بنده حقیر.

در پایان از کلیه کسانی که در نوشتن این رساله بنده را یاری کردند تشکر می‌کنم از جمله استاد راهنمای بنده جناب آقای دکتر پیرانی که بنده را در طرح پایان نامه و حل مشکلات آن یاری کردند و همچنین جناب آقای دکتر اشکوری که مشاوره پایان نامه را بر عهده داشتند و در طرح پایان نامه و رفع مشکلات آن مرا یاری کردند.

همچنین از کلیه کسانی که این رساله را قرائت کردند و بنده را در تکمیل و تصحیح آن یاری فرمودند از جمله اساتید محترم داور کمال تشکر را دارم.

در پایان اعلام می‌دارم که در این جهان غیر از ذات باری تعالی همه موجودات و اشیاء دارای نقصان و کاستی هستند و هیچ امری خالی از عیب و نقصان نیست بنابراین پایان نامه بنده همه خالی از اشکال نیست و بنده بدین وسیله بابت نواقص و کاستی های آن پوزش می‌طلبم و مقدمه ام را با این سخن خواجه ی شیراز به پایان می‌برم:

حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست؟

فصل اوّل

زندگی نامه و ادب سعدی

شیرازی

در این فصل به بیان زندگی نامه سعدی و ذکر خلاصه ای از موضوع اشعارش و ذکر نام آثار و چگونگی و چرایی پرداختن او به اشعار عربی و منبع اشعار عربی می پردازیم.

۱. زندگی نامه و ادب سعدی شیرازی

۱-۱. زندگینامه سعدی

الشیخ الامام المحقق ملک الکلام افصح المتکلمین ابومحمد مشرف الدین (شرف الدین) مصلح بن عبدالله بن مشرف السعدی شیرازی بزرگترین شاعری است که بعد از فردوسی در آسمان ادب فارسی درخشیده است و هنوز می درخشد. در نام و نسب و تاریخ وفات این استاد بزرگ میان نویسندگان و مؤلفان قدیم اختلاف است و سرچشمه ی این اختلاف ها شهرت فراوان سعدی و افتادن نام بلندش در افواه خاص و عام است.^۱

سعدی تخلص شعری شیخ است و نام او محل اختلاف می باشد. بعضی مشرف الدین و برخی مصلح الدین نوشته و جماعتی یکی از این دو کلمه را لقب او دانسته اند و گروهی مصلح الدین را نام پدر شیخ انگاشته و بعضی دیگر نام خودش یا پدرش را عبدالله گفته اند و گاهی دیده می شود که ابوعبدالله را کنیه ی شیخ قرار داده اند و در بعضی جاها نام او مشرف بن مصلح نوشته شده و در این باب تشویش زیاد است.^۲

گذشتگان در ثبت نام و کنیه و لقب سعدی دقت لازم را به کار نبرده اند و نتیجه پژوهشهای دهه های اخیر در نهایت این شده است که به روایت ابن فوطی (م ۷۲۳)، که معاصر سعدی بوده و با سعدی نامه نگاری داشته است، رضایت دهند، و نام او را «مصلح الدین» کنیه اش را «ابو محمد»، لقبش را «مشرف الدین» یا «شرف الدین» و تخلصش را «سعدی» بدانند.^۳

خانواده شیخ سعدی عالمان دین بوده اند و در سال های اول سده ی هفتم هجری در شیراز متولد شده و در جوانی به بغداد رفته و در آنجا در مدرسه ی نظامیه و حوزه های دیگر درس و بحث به تکمیل علوم دینی و ادبی پرداخته و در عراق و شام و حجاز مسافرت کرده و حج گزارده و در اواسط سده ی هفتم هنگامی که ابوبکر بن سعد زنگی از اتابکان سلغری و در فارس فرمانروایی داشت به شیراز باز آمده، در سال ششصد و پنجاه و پنج هجری کتاب معروف «بوستان» را به نظم درآورده و در سال بعد «گلستان» را تصنیف فرموده و در نزد اتابک ابوبکر و بزرگان دیگر مخصوصا پسر ابوبکر، که سعد نام داشته و شیخ انتساب به او را برای خود تخلص قرار داده قدر و منزلت یافته و همواره به بنان و بیان مستعدان را مستفیض و اهل ذوق را محظوظ و

^۱ تاریخ ادبیات ایران: ذبیح الله صفا. تلخیص از دکتر محمد ترابی. انتشارات فردوسی، چ ۱۹، تهران، ۱۳۸۸. ج ۲، ص ۱۰۵.

^۲ کلیات: مصلح بن عبدالله سعدی. به اهتمام محمد علی فروغی. انتشارات زوار، چ ۳، تهران، ۱۳۸۵. ص ۶.

^۳ سعدی: ضیاء موحد. انتشارات طرح نو، چ ۳، تهران، ۱۳۷۸. ص ۲۴.

متمتع می ساخته و گاهی در ضمن قصیده و غزل به بزرگان و امرای فارس و سلاطین مغول معاصر و وزرای ایشان پند و اندرز می داده و به زبانی که شایسته است که فرشته و ملک بدان سخن گویند به عنوان مغالزه و معاشقه نکات و دقایق عرفانی و حکمتش می پرورده و تا اوایل دهه ی آخر از سده ی هفتم در شیراز به عزت و حرمت زیسته و در یکی از سالهای بین ششصد و نود و یک و ششصد و نود و چهار در گذشته و در بیرون شهر شیراز در محلی که بقعه ی او زیارتگاه صاحب‌دلان است به خاک سپرده شده است.^۱

۱-۲. مذهب و عقیده سعدی

مذهب رسمی و ظاهری او تسنن است و از بعضی از سخنانش استنباط کرده اند که اشعری است و از آنچه نقل کرده و از کلیه ی کلماتش بر می آید که اهل منبر و وعظ و خطابه هم بوده است چنانکه کتاب بوستان و بسیاری از قصاید و غزلیات او بهترین مواعظ به شمار می رود.^۲

سعدی متدین و مذهبی بلکه متعصب است. اما تعصب و تدین را هیچگاه دست آویز آزار مخالفان دین و مذهب خود نمی سازد و جفا کاری با ایشان را روا نمی داند. سراپا مهر و محبت است و خویش و بیگانه و دوست و دشمن را مورد رأفت و انصاف و مروّت می دارد. به راستی انسان دوست و انسانیت پرست است. حس همدردی او با ابناء نوع بی نهایت است جز به مردم آزار و ظالم، با همه کس مهربان است، تا آنجا که سزای بدی را هم نیکی می خواهد. رقت قلب و دلسوزی او جانوران را نیز شامل است. با کمال تقیّدی که به حفظ اصول و فروع دین و مذهب دارد به زهد خشک و آراستگی صورت ظاهر، اهمیت نمی دهد، معنی حقیقت را می خواهد، صورت هر چه باشد.^۳

سعدی در بوستان حکایاتی درباره ی معروف کرخی، شبلی، بایزید بسطامی، ذوالنون مصری و عبدالقادر گیلانی آورده است، و باب دوم گلستان را هم به اخلاق درویشان اختصاص داده است و گویا دست ارادت به شیخ شهاب الدین سهروردی (شهاب الدین ابو حفص عمر، مؤلف عوارف المعارف، در گذشته ۶۳۲هـ) داده است. از این آثار چنین بر می آید که به تصوّف گرایش داشته است. سعدی از زمره ی آن کسانی نیست که یکباره پشت پا به دنیا زند.^۴

سعدی انسانی به تمام معنای کلمه بود، و احساس می کرد که یکی از اعضای جامعه ی خویش است و در نظر او فرقی بین یک دین و دین دیگر و عقیده ای با عقیده دیگر یا مذهبی با مذهب

۱. کلیات: ص ۶.

۲. همان: ص ۷.

۳. همان: ص ۱۱.

۴. تاریخ ادبیات ایران: دکتر توفیق هـ. سبحانی. انتشارات زوار، چ ۱، تهران، هـ.ش ۱۳۸۶، ص ۲۸۱.

دیگر وجود نداشت. او مردی بود اجتماعی و ادبش، ادبی بود برای همه، و همه ی مردم را دوست داشت و معتقد به این بود که او با مردم از سرشت واحدی هستند و به همین خاطر دارای فکری والا و احساسی لطیف و باطنی تابنده بود.

در قطعه ای از شعرش می گوید بنی آدم همه اعضای یکدیگرند و همه در آفرینششان از اصلی واحد سرچشمه می گیرند. هنگامی که برای یک عضو درد و رنجی به وجود آید بقیه ی اعضا با او همدردی می کنند و انسانی که برای سختی دیگران غم و غصه نمی خورد آدم نیست:

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی ^۱

و شاعر دارای نظراتی است که در آن بین صوفیه و علما مفاضله می کند و عالم در نظر او برتر از صوفی است و در قطعه ای از شعرش این مسأله را به تصویر می کشد. و بیان می کند که صوفی از مکان عبادتش هجرت می کند و به مدرسه می رود و از هم صحبتانش کناره گیری میکند و راه تزکیه نفس را می گیرد.

او از صوفی می پرسد: فرق بین عالم و عابد چه بود که عالم را بر عابد ترجیح دادی؟ او گفت عابد خود را از موج نجات می دهد درحالی که عالم دست غریق را می گیرد. میگوید:

صاحب دلی به مدرسه آمد زخانقاه	بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود	تا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن گلیم خویش به در می بردموج	وین سعی می کند که بگیرد غریق را ^۲

همچنین او عبادت را بریدن از دنیا نمی داند، او بر خلاف بیشتر اهل طریقت از آن روی گردان نیست و دوری از مردم را اختیار نمی کند بلکه عبادت را خدمت به خلق و یاری آنان می داند نه تسبیح و نشستن بر سجاده و پوشیدن دلق، او از همه مردم حتی پادشاهان می خواهد که این گونه باشند و خودشان را به اخلاق درویشان بیارایند:

طریقت به جز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست

^۱. گلستان: سعدی. انتشارات آرمین، تهران، چ ۱۳۸۵، ۱۰۱ ه.ش، ص ۴۳.
^۲. همان: ص ۸۰.

تو بر تخت سلطانی خویش باش به اخلاق پاکیزه درویش باش^۱

این عقیده کلی سعدی است، و در عقیده ی او فرق بین عقاید مردم نیست، و ما برخورد سازشکارانه او را در مذهب دینی می بینیم و این بیان می کند که او چگونه در ایرانی که مردمش بر مذهب شیعه بودند، بر مذهب سنی گردن نهاد. و اشعارش تا حدّ زیادی بر این امر دلالت می کند مثلاً در جایی که به مرثیه خلیفه مسلمین المستعصم می پردازد. همچنین خلفای راشدین را در « بوستان» در قطعه ای که در آن رسول خدا (ص) را مدح میکند مورد مدح قرار می دهد، سپس به مدح خاندان پیامبر(ص) می پردازد و این دلیل بر عقیده و مذهبش دارد.^۲

البته این عبارت نویسنده که گفته است مردم ایران در عصر سعدی شیعه مذهب بوده اند درست نیست چون مذهب شیعه از زمان شاه اسماعیل صفوی در ایران مذهب رسمی اعلام شد.

سعدی از آن مردان نادر تاریخ ادب ایران است که حتی در حیات خود شهرتی عالمگیر داشته است، چنانکه آوازه ی او به هند رسیده بود و امیر خسرو دهلوی و حسن دهلوی از شاعران آن دیار که با سعدی معاصر بودند، زبان به ستایش او گشوده اند و سیف فرغانی که در شهر آق سرای آسیای صغیر می زیسته، شعر وی را ستوده است.

پس از سعدی سخن او، در نظم و نثر، مورد تقلید قرار گرفته است. مخصوصاً کتاب گلستان در ایران و هند و آسیای صغیر به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار گرفته و نظیره ها و شرح هایی بر آن نوشته شده است که اشاره به مهمترین آنها بی فایده نخواهد بود:

یعقوب بن سیدی (در گذشته ۹۳۱هـ) گلستان را به عربی ترجمه کرده است. مصطفی بن شعبان سروری (م ۹۶۹هـ) بار دیگر آن را برای سلطان مصطفی عثمانی به عربی گزارش کرده است. شمعی و سودی و حسین کفوی و دیگران آن را به ترکی برگردانده اند. سبک سعدی در گلستان مورد تقلید بعضی از نویسندگان ایرانی هم قرار گرفته است. چنان که مجد خوافی به سال ۷۲۳هـ کتابی به نام روضه الخلد تدوین کرد و در آن تجدید نظر کرد. جامی (م ۸۹۸هـ) بهارستان را به پیروی از گلستان نوشت و قاآنی (م ۱۲۷۰هـ) پریشان را نوشت.^۳

شهرت سعدی معلول چند خاصیت در اوست: نخست اینکه سعدی زبان فصیح و بیان معجزه آسای خود را تنها وقف مدح و یا بیان احساسات عاشقانه نکرد بلکه بیشتر آن را به خدمت انبای نوع گماشت و در راه سعادت آدمیزادگان به کار برد. دوم آنکه وی نویسنده و شاعری جهانپسند و

^۱ بوستان: سعدی. به تصحیح محمدعلی فروغی. انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چ ۶، ۱۳۸۸هـ. ش، ص ۳۳.

^۲ سعدی الشیرازی شاعر الإنسانیة: الدكتور موسی هندای. مکتبة الخانجي، القاهرة، لاطا، ۱۹۵۱. ص ۲۷۵-۲۷۴.

^۳ تاریخ ادبیات ایران: دکتر توفیق هـ. سبحانی. ص ۲۸۲.

سرد و گرم روزگار چشیده و مطلع بود. سوم آنکه سخن گرم و لطیف خود را همراه با مثلها و حکایت های دلپذیر بیان کرد. چهارم آنکه در مدح و غزل راهی نو و تازه پیش گرفت، و پنجم آنکه در عین وعظ و حکمت و هدایت خلق شاعری شوخ و بذله گو و شیرین بیان است و خواننده خواه ناخواه مجذوب او میشود. بالاتر از همه ی این ها فصاحت و شیوایی کلام سعدی در سخن به پایه ای است که واقعا او را سزاوار عنوان «سعدی آخرالزمان» ساخته است.^۱

۱-۳. آثار سعدی

۱-۳-۱. آثار منظوم

آثار سعدی به دو دسته ی **منظوم و منثور** تقسیم می شود. در رأس اثرهای منظوم سعدی یکی از شاهکارهای بلامناع شعر فارسی قرار دارد که در نسخه های کهن کلیات «سعدی نامه» نامیده شده ولی بعدها به «بوستان» شهرت یافته است. این منظومه که تاریخ شروعش معلوم نیست در سال ۶۵۵ هجری به اتمام رسید و در موضوع اخلاق و تربیت و وعظ و تحقیق است و ده باب دارد به نامهای: ۱- عدل ۲- احسان ۳- عشق ۴- تواضع ۵- رضا ۶- ذکر ۷- تربیت ۸- شکر ۹- توبه ۱۰- مناجات و ختم کتاب. **بخش دوم** از اثرهای منظوم سعدی **قصیده های عربی** اوست که اندکی کمتر از هفتصد بیت مشتمل بر معانی غنایی و مدح و نصیحت و یک قصیده در مرثیه ی المستعصم بالله است. **بخش سوم قصیده های فارسی** در موعظه و نصیحت و توحید و مدح شاهان و بزرگان است. **بخش چهارم مرثیه های شاعر** است مشتمل بر چند قصیده در مرثیه ی المستعصم و ابوبکر بن سعد بن زنگی و سعد بن ابوبکر و امیر فخرالدین ابی بکر و عزالدین احمد بن یوسف و یک ترجیع بند مؤثر در مرثیه ی اتابک سعدبن ابی بکر. **بخش پنجم غزل های سعدی** شامل ملامت، مثلثات، ترجیعات، طیبات، بدایع، خواتیم و غزل قدیم.

«ملمعات» شعری است که یک بیت یا مصراع آن فارسی و بیت دیگر آن به زبانی دیگر باشد و این در هر قالبی ممکن است رخ دهد و ملامت سعدی بیشتر در بخش غزلیات او گرد آمده اند.

«مثلثات» به شعرهایی گفته می شود که شاعر در سرودن آن از سه زبان یا دو زبان و یک گویش محلی استفاده می کند، این نام گذاری بر مبنای تعداد و تنوع زبانهایی که شاعر در اثر خود از آن بهره یافته، صورت گرفته است. مثلثات سعدی مثنوی بلندی است در ۵۴ بیت و ۱۸ بند که به تناوب ابیاتی به عربی، فارسی و گویش قدیم شیراز در آن تکرار می شود.

^۱ تاریخ ادبیات ایران: ذبیح الله صفا، ص ۱۰۸.

بخش ششم صاحبیه. بخش هفتم خبیثات و آن مجموعه ای است از شعرهای هزل و دو مثنوی انتقادی شیرین و چند قطعه و رباعی که همه ی آنها رکیک نیست بلکه بعضی فقط متضمن مطایبه های مطبوع منظوم است.

نخستین جامع اثرهای سعدی را، بعد از خود او، نمی شناسیم اما مسلم است که شیخ اثرهای خود را شخصا جمع آوری و منظم می کرد. مشهورترین جامع کلیات آثار سعدی علی بن احمد بن ابی بکر بیستون است که تنظیم غزلها بر مبنای حرفهای آخر بیتها و ترتیب فهرست کلیات از اوست اما از مقدمه ی بیستون بر می آید که پیش از آنکه او به تنظیم جدیدی از آثار شیخ مبادرت کند جامعی دیگر این کار را کرده بوده است.^۱

۱-۳-۲. آثار منشور

۱- **گلستان:** گلستان را شیخ در سال ۶۵۶ به نام سعد بن ابوبکر زنگی به نظم و نثر پرداخته است گلستان یک مقدمه و هشت باب دارد به نامهای: ۱- در سیرت پادشاهان ۲- در اخلاق درویشان ۳- در فضیلت قناعت ۴- در فواید خاموشی ۵- در عشق و جوانی ۶- در ضعف و پیری ۷- در تأثیر تربیت ۸- در آداب صحبت.

۲- **نصیحه الملوک:** این رساله را شیخ بسیار ساده و روان نوشته است و به عینه شیوه گلستان را در این رساله می بینیم، بلکه از گلستان هم ساده تر و بی تکلف تر است و مشحون از کلمات حکیمانه است.

۳- **رساله ی عقل و عشق:** این رساله در پاسخ «سعد الدین» نامی است که از شیخ در ضمن قطعه ای می پرسد که آیا عقل وسیله ی شناخت و وصول است یا عشق، و شیخ جوابی لطیف و پر مغز می دهد. این رساله از رسائل عرفانی شیخ است و بالنسبه ساده و به شیوه ی گلستان تحریر یافته و اشعار بسیار خوب دارد.

۴- **رساله ی انکیانو:** این رساله بسیار ساده و روان و سلیس است و برای انکیانو، حاکم مغولی فارس (حکومت ۶۶۷-۶۷۰هـ) تحریر یافته است.

۵- **مجالس پنجگانه:** پنج مجلس است در موعظه که اگر از شیخ هم نباشد بر منبر یا در مجلسی تقریر فرموده و دیگران به نگارش درآورده اند.

۶- **هزلیات:** عبارت از سه مجلس به نثر و مشتمل است بر مطالبی ناپسند و رکیک که حکایاتی به نام «المضحک» به این سه مجلس افزوده شده است.

^۱. تاریخ ادبیات ایران: ذبیح الله صفا. ج ۲، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۷- تقریرات ثلاثه: در احوال شیخ نوشته شده از این قرار: ۱- سوال صاحب دیوان از شیخ ۲- ملاقات شیخ با آباقا ۳- رساله ی شمس الدین تازیکو. چنان که از مندرجات آنها آشکار است دیگران در احوال شیخ نوشته اند و اشعاری از شیخ در این رسائل گنجانده شده است.^۱

۱-۴ سبک سخن سعدی

طرز سخن سعدی بر استواری لفظ و روانی معنا مبتنی است و همین نکته است که سخن او را در شیوه ی سهل ممتنع به سرحد اعجاز رسانیده است. معانی لطیف تازه را در عبارات آسان بیان می کند و از تعقید و تکلف برکنار می ماند. هر چند سخنش یکسره از صنعت خالی نیست نشانه ی صنعتگری در آن چندان بارز نیست. توانایی او در تعبیر چندان است که معانی و اندیشه های او اگر چه عادی باشد به هیچ وجه مبتذل و متداول به نظر نمی آید و گویی لطف بیان شیخ آنها را از حدود معانی عادی بالاتر می برد. ضرورت که شعر بسیاری شاعران را به خللهای لفظی و معنوی آلوده است در شعر وی اگر هست چندان به چشم نمی آید و نقل و اخذ مضمون دیگران هم در نزد وی چنان با تصرف همراه شده است که حتی در این گونه موارد هم غالباً بی هیچ اندیشه و تأمل برتری او بر آنکه پیش از او اندیشه ی او را داشته است روشن می شود. در واقع با آشنایی دقیقی که شیخ با ادب تازی و پارسی داشته است عجب نیست که آثاری از افکار دیگران در شعر و نثر وی انعکاس یافته باشد. اما به هر حال آنچه مایه ی نام و آوازه ی اوست، افکار و اندیشه هایی است که او خود ابداع کرده است و بیشتر سخنانش نیز از همین مقوله است.^۲

طرز سعدی بر پرباری لفظ و تازکی معنی استوار است و علی الخصوص شیوه ی سهل ممتنع در سخن او به سر حد اعجاز می رسد. معانی لطیف را سعدی در سهل ترین عبارت بیان می کند و کلام او از تعقید لفظی و معنوی خالی است و اثر صنعت در آن دیده نمی شود هرچند یکسره از صنایع نیز خالی نیست. معانی او هرچند گاه کاملاً عادی است. به هیچ وجه مبتذل و دست فرسود به نظر نمی رسد بلکه همواره لطف ذوق و قدرت تعبیر شاعر در آن تصرفات مناسب می کند و آنها را از حدود معانی متعارف بالاتر می برد. در سخن او جدّ و هزل به هم می آمیزد و رقت معنا با دقت عبارت جمع می آید. خللهای لفظی و معنوی و ارتکاب ضرورات در شعر او اگر هست چندان اندک می نماید که هیچ به نظر نمی آید و نقل معانی و تضمین ابیات دیگران

^۱ تحلیل آماری تشبیه در غزلیات سعدی و تصرف در تشبیه: محمود رضا رجایی. رساله ی کارشناسی ارشد، منتشر نشده، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهمن ۱۳۸۱، ص ۵-۶.

^۲ با کاروان حله: دکتر عبدالحسین زرین کوب. انتشارات علمی، تهران، چ ۱، ۱۳۸۴ ه.ش. ص ۲۵۵-۲۵۴.